

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۷ / ۲۸
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»			
عنوان ۴	تجلی رحمت رحمانی و رحیمی			
عنوان ۵	اطاعت، نتیجه معرفت			
عنوان ۶	منیت، مقدمه معیت			

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

چکیده

اساس بحث در این جلسه بر این است که شناخت خداوند، به طور طبیعی به اقرار بندگی و استعانت انحصاری از او می انجامد.

محورهای اصلی بحث:

❖ رحمت رحمانی و رحیمی: تفکیک میان رحمت عام الهی (رحمانیه) برای همه آفریدگان و رحمت خاص

(رحیمیه) برای مؤمنان که در پرتو هدایت امامان الهی، مسیر بازگشت به سوی خدا را طی می کنند.

❖ رابطه معرفت و اطاعت: عبادت خالصانه («إِيَّاكَ نَعْبُدُ») نتیجه مستقیم معرفت توحیدی است و «إِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ» یادآوری می کند که توانایی بر همین عبادت نیز از یاری خداوند سرچشمه می گیرد.

❖ اصالت جامعه و ولایت: تأکید بر جامعه توحیدی که بر محور «ولایت» استوار است. این ولایت شامل «ولایت

طولی» (اطاعت از خدا و اولیائش) و «ولایت عرضی» (همبستگی مؤمنان) می شود.

❖ «منیت» و «معیت»: اطاعت حقیقی از اولیای الهی، انسان را به مرتبه «منیت» (از آنان بودن) می رساند که

این خود، مقدمه ای برای «معیت» (همراهی دائمی با آنان) در دنیا و آخرت است.

در نهایت، این آیه نه یک ذکر صرف، بلکه چکیده یک جهان بینی توحیدی است که بر پایه معرفت، ولایت و یگانگی

با اولیای الهی استوار است.

درآمد بحث

در این جلسه، به واپسین مطلب درباره تفسیر آیه شریفه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می پردازیم که از سویی به توحید در اطاعت و از سوی دیگر به توحید در استعانت اشارت دارد. آیات پیشین سوره حمد، یعنی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، آیتی اند که معرفت انسان مؤمن را به کمال می رسانند؛ یعنی توجه به این سه آیه و معانی بلند نهفته در آنها و حتی در بسمله، مجموعه ای از معارف توحیدی را در عرصه شناخت به انسان می آموزند. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ همه ستایش ها و حمدها و ثناها ویژه خدایی است که «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است، «الرحمن الرحیم» است و «مالک یوم الدین» است؛ یعنی از آغاز تا فرجام، اوست که هم می آفریند و هم آفرینش را در مسیر رحمت رحمانی و رحیمی خویش تا به انجام، راهبری می کند و سرانجام نیز مالک روز جزاست. این، یک مجموعه معرفتی است که می توان شناخت خدا (معرفت توحیدی) را در آن بازیافت.

تجلی رحمت رحمانی و رحیمی

پیش تر، در مورد «رحمانیت» مطالبی را بیان کردیم و گفتیم که به فعل الهی ناظر است و تجلی فعلی خدای متعال در همه کون مخلوق او، از آغاز تا انجام به شمار می رود که معرفت الهی را به انسان ارزانی می دارد و به او می فهماند که هر آنچه در جهان است، جلوه ای از رحمت اوست. رحمت رحمانی در یک قوس نزول، فرود می آید و در یک قوس صعود بازمی گردد و در حال بازگشت، در عالم فواعل اختیاری، ادامه می یابد؛ منتها چیزی بر آن افزوده می شود که همان رحمت رحیمی است. رحمت رحیمی، فزونی در رحمت رحمانی است و آن، این است که خدای متعال در بازگشت به سوی او، آن را بازگشتی صعودی و وفودی می سازد. بازگشت به سوی خدا، برای اهل اختیار و فاعل های اختیاری، بر دو گونه است:

۱. بازگشت سعادت مندانه و کریمانه:

در آیه ای از سوره مریم آمده است: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»^۱؛ این بازگشت برای متقین، بازگشتی وفودی، کریمانه، تکریمی، موفقیت آمیز و پیروزمندانه است؛ بازگشتی به سوی بالا.

۲. بازگشت شقاوتمندانه:

در مقابل، برای آنان که از رحمت الهی روی گردان شده اند، بازگشتی شقاوتمندانه به سوی جهنم است: «وَنُفِثُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثًا»^۲. این بازگشت، ویژه کسانی است که از رحمت الهی بهره نجستند، به آن پشت کردند و به امام الهی، اِدبار نمودند. گفتیم این رحمت رحیمی که در حرکت بازگشت به سوی خدا، موفقیت آمیز و به سوی بالاست؛ حرکتی است که با امام صورت می پذیرد و در رحمت رحیمی جلوه می کند. آیات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...»^۳ و «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ» در آیه دیگری از همین سوره احزاب، بیشتر توضیح داده شده و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

۱. سوره مریم: ۸۵.

۲. همان: ۸۶.

۳. سوره احزاب: ۴۱ - ۴۳.

أَمُّوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيْمًا^۱ و نشان می دهد صلواتی که با صلوات مؤمنین همراه می شود، نتیجه اش این است که ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّوْرِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيْمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ...﴾^۲ و این با همان رحمت رحیمی الهی انجام می گیرد.

این مجموعه را خدای متعال در آیات پیش از ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ﴾ تبیین می فرماید و این، هم تعلیم عبد است و هم به شکلی، هدایت.

اطاعت، نتیجه معرفت

تا ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ یک مجموعه معرفتی توحیدی کامل برای انسان حاصل می آورد، مشروط به آنکه به این آیات، توجه داشته باشد. نتیجه معرفت توحیدی، پس از علم به اینکه خدا «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و این جهان را می آفریند، اداره می کند و با رحمانیت و رحیمیتش تا روز قیامت و «یوم الدین» به سوی خویش به حرکت درمی آورد، آن است که عبد باید متوجه باشد که اقرار کند: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ﴾؛ تنها تو را عبادت و از تو اطاعت می کنم. صیغه در آیه، صیغه جمع است و اساساً دین برای ایجاد جامعه موحد آمده، نه تک فردهای موحد. آری، تک فردها نیز باید موحد گردند تا یک جامعه موحد شکل گیرد؛ لذا نباید خود را تنها به حساب آوریم؛ بلکه ما یک جمعیم؛ آن هم جمع کسانی که در صراط مستقیمی که «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است، حرکت می کنیم.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾؛ پس از آنکه معرفت توحیدی حاصل شد و خدا را شناختیم، باید از او اطاعت و او را عبادت کنیم و بدانیم که درست است خدا را پرستش می کنیم؛ اما در این پرستش نیز باید آگاه باشیم که خدا ما را بدین کار، قوت می بخشد و یاری می رساند. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ﴾ خلاصه ای از مفهوم ولایت الهی است که بعداً توضیح می دهیم.

اصالت فرد یا جامعه؟

پرسشگر: اصالت با فرد است یا جامعه؟

استاد: جامعه، خود فی نفسه، شخصیت دارد. گفته ایم که از منابع اسلامی چنین برمی آید که هم فرد، اصالت دارد و هم جامعه. این را مفصلاً توضیح داده ایم ولی اجمالاً باید دانست که اولاً جامعه، اصالت دارد؛ بدین معنا که ما یک شخصیت اجتماعی داریم که شکل می گیرد. هر انسانی اگر در جامعه زندگی کند، خواه ناخواه، خود را در مجموعه ای قرار داده که محکوم سُنن و قوانین الهی است؛ لذا این همان ولایت است که در یک مجموعه قرار گرفته و به وسیله یک مرکزیت، راهبری می شود و به سمتی حرکت می کند. هر انسانی که در جامعه زندگی می کند، مشمول این قانون است؛ لذا گفتیم که ولایت، مخصوص جامعه الهی یا اسلامی نیست؛ بلکه هر جامعه ای، نوعی از ولایت را در خود دارد که همان وابستگی به نقطه مرکزی رهبری جامعه است. این ولایت طولی است که از آن به «وابستگی» تعبیر می کنیم و در مقابل، ولایتی عرضی وجود دارد که از آن به «همبستگی» تعبیر می شود. هنگامی که وابستگی به وجود آمد و افراد یک جامعه وابسته به آن مرکز شدند، به وسیله آن ولایت طولی، نوعی همبستگی ایجاد می شود.

۱. همان: ۵۶.

۲. همان: ۴۳ و ۴۴.

در جامعه الهی، این وابستگی فقط به خداست؛ آیات: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ و «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۲ نشانگر نظام ولایتی و وابستگی است و روشن می سازد که مرکزیت ولایت شما خدای متعال و سپس رسول و امام است؛ چراکه رسول و امام، همان کانال اعمال آن ولایت الهی اند، نه چیزی زائد بر او و نه چیزی جز او. ما دو ولایت نداریم که یکی الهی و دیگری ولایت رسول و ولایت امام باشد؛ بلکه این ولایت رسول و امام، همان ولایت خداست که در این مجرای اعمال می شود؛ لذا اطاعت رسول، اطاعت الله است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»^۳ و [فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله]: «مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي»^۴ نیز همین را تأیید می کند.

وقتی ولایت طولی الهی شکل گرفت و افراد جامعه مطیع خدا شدند، در میانشان یک ولایت عرضی هم شکل می گیرد که «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۵ و «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» آن را جلوه گر می سازد. چون مطیع خدا و رسول اویند، اقامه صلات و ایتای زکات و ولایت عرضی را نتیجه می دهد؛ لذا سپس می فرماید: «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ...»^۶ که پیوند میان رحمت الهی و مسأله ولایت را، چنانکه در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...» و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» آمده، روشن می سازد.

بنابراین، رحمت رحیمی الهی به وسیله این ولایت طولی بر انسان ها نازل می گردد؛ لذا می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ...»^۷؛ نخستین نتیجه رحمت رحیمی که خاص مؤمنین است، ایجاد نوعی وحدت میان جامعه ایمانی است که یک وحدت حقیقی است نه اعتباری؛ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون»^۸.

امام علیه السلام در اشاره به این نوع از رحمت، به شیعیانی که به دیدار ایشان می آمدند، فرمود: «أَنْتُمْ أَلْ مُحَمَّدِ أَنْتُمْ أَلْ مُحَمَّدِ»^۹ و این رحمت، کار را به جایی می رساند که «سَلَامٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^{۱۰} و «شِيعَتُنَا مِنَّا»^{۱۱}. مسأله «مِثَّت»^{۱۲}، اهمیت بسیاری دارد و حتی پیش از اسلام نیز وجود داشته است؛ چنانکه خدای متعال از حضرت ابراهیم علیه السلام نقل می کند: «رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي...»^{۱۳}. «مِثَّت» های قرآن را نمی توان به مجاز تفسیر کرد، حال آنکه حقیقت است؛ یعنی

۱. سوره مائده: ۵۵.

۲. سوره نساء: ۵۹.

۳. همان: ۸۰.

۴. معانی الأخبار؛ ص ۳۷۳.

۵. سوره حجرات: ۱۰.

۶. سوره توبه: ۷۱.

۷. سوره هود: ۱۱۸ و ۱۱۹.

۸. سوره انبیاء: ۹۲؛ و در سوره مؤمنون: ۵۲ هم آمده: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون».

۹. المحاسن؛ ج ۱، ص ۱۴۳.

۱۰. عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۶۴.

۱۱. الکافی؛ کتاب الحجّة، باب مولد أبی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، ح ۵.

۱۲. سوره ابراهیم: ۳۶.

کسانی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام اطاعت می کنند و زبان حالشان با ایشان این است که: «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ»، کسانی که اهل ولایت اولیاء الله حقیقی (محمد و آل محمد علیهم السلام) می شوند، یک شخصیت واحد به وجود می آورند و متحد می شوند؛ چون یک اراده وجود دارد و آن، اراده رسول الله صلی الله علیه و آله است که در اراده علی بن ابی طالب علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام تجسم می یابد و از آنجا به شیعیان و اتباعشان انتقال می یابد. از این روست که در زیارت «جامعه» عرض می کنیم: «أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» که این و هر آنچه در روایات ائمه اطهار علیهم السلام آمده، اصلی در قرآن دارند که می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ...﴾^۱

این منیتی که گفتیم، یک منیت حقیقی است؛ هرچند در ولایت های کفر و ولایت های شرک نیز به شکلی، نوعی از این اتحاد به وجود می آید؛ اما این اتحاد، اتحادی است که در روز قیامت به تضاد بدل می گردد: «...كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا...»^۲.

این اتحاد به جنگ و ستیز می انجامد، برخلاف وحدت حقیقی که میان اهل ایمان و رهبران الهی جریان دارد و در روز قیامت، مؤکد می گردد؛ لذا می فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ...﴾^۳؛

در شأن نزول آیه آمده است که جوانی به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ما در این دنیا با شما هستیم، با شما می نشینیم، با شما معاشرت می کنیم و شما را از نزدیک می بینیم؛ ولی وقتی روز قیامت فرا رسد، شما کجا و ما کجا؟ شما در مقامات عالی بهشتی ماوا می گیرید و ما به شما دسترسی نداریم. چگونه در بهشت می توانیم دوری شما را تاب آوریم؟ این آیه نازل شد.

منیت، مقدمه معیت

لذا گفته ایم که این «منیت»، «معیت» می آورد. در قرآن کریم، دو حرف وجود دارد که هر یک، عالمی از معنا را در خود نهفته دارند:

▪ «مِنْ»؛

▪ «مَعَ».

درباره طالوت می خوانیم:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي...﴾^۴؛

و در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

۱. سوره آل عمران: ۳۳ و ۳۴.

۲. سوره اعراف: ۳۸.

۳. سوره نساء: ۶۹ و ۷۰.

۴. سوره بقره: ۲۴۹.

«... فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي...»^۱؛

این «مِنِّي» ها به «مَعِيت» تبدیل می شوند؛ لذا می فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»^۲؛

و همچنین:

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»^۳؛

و:

«... وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»^۴.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين



۱. سوره ابراهیم: ۳۶.

۲. سوره فتح: ۲۹.

۳. سوره آل عمران: ۵۳.

۴. همان: ۱۹۳.